

دین و روانشناسی با هم تعارضی ندارند

نویسنده کتاب درآمدی بر روانشناسی دین گفت: اگر با نگاهی عالمانه به تعریف دین و تعریف روانشناسی نگاه کنیم می‌بینیم با هم مخالفتی ندارند.



نویسنده کتاب درآمدی بر روانشناسی دین گفت: اگر با نگاهی عالمانه به تعریف دین و تعریف روانشناسی نگاه کنیم می‌بینیم با هم مخالفتی ندارند. دو چارچوب متفاوت دارند اما در جاهایی هم پوشانی هم دارند.

به گزارش خبرگزاری مهر، سومین قسمت از فصل دوم برنامه تلویزیونی «چراغ مطالعه» شنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۹۹ از شبکه چهار سیما به روی آنتن رفت. در این برنامه با حضور حجت الاسلام مسعود آذربایجانی، کتاب «درآمدی بر روانشناسی دین» مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

کوروش علیانی، مجری کارشناس برنامه در ابتدا گفت: آیا این کتاب حمله به روانشناسی و دفاع از دین است؟

مسعود آذربایجانی در پاسخ گفت: بله با این نقد مواجه شده ایم. مثلاً بعضی از روانشناس ها روی فروید مقداری تعصبی دارند و ما نظریات او درباره روانشناسی دین را مورد نقد قرار دادیم. اگرچه از منابع غربی هم برای این نقد استفاده کردیم، اما برای برخی قابل قبول نبود و متهم به سوگیری شدیم. فروید معتقد بود که دین امری موهوم است و در آینده علم جای آن را می‌گیرد که دیدیم این اتفاق نیفتاد.

نویسنده کتاب «درآمدی بر روانشناسی دین» افزود: برخی از دین داران این تصور را دارند که روانشناسی آمده که جایگاه دین را در راهنمایی و مشاوره انسان ها را بگیرد. در اصحاب کلیسا در چند دهه این نگاه خیلی رایج بود. از طرفی هم برخی روانشناسان تصور می‌کنند که دین با روانشناسی تضاد دارد در صورتی که واقعیت این نیست. اگر با نگاهی عالمانه به تعریف دین و تعریف روانشناسی نگاه کنیم می‌بینیم که با هم مخالفتی ندارند. دو چارچوب متفاوت دارند اما در جاهایی هم پوشانی هم دارند. روانشناسانی مثل یونگ، ویلیام جیمز، پارگامنت و کوینگ معتقدند که دین هم جایگاه خودش را در زندگی انسان دارد و باید آن را به رسمیت بشناسیم.

مجری برنامه در ادامه پرسید: وقتی می‌گوئیم روانشناسی دین، گویا دین دارد برای روانشناسی موضوع می‌شود و ممکن است برای دین دار این موضوع کمی گران بیاید که جایگاه دین کوچک شده است.

آذربایجانی پاسخ داد: معادل انگلیسی این تعبیر چنین دیدگاهی را ایجاد نمی‌کند چون در Psychology of Religion دین مضاف الیه است. در فارسی هم در واقع مضاف الیه است و جایگاه مضاف الیه موجب کوچک انگاری نمی‌شود. آیا وقتی می‌گوئیم روانشناسی خانواده یا روانشناسی مدرسه، باعث کوچک شدن خانواده یا مدرسه می‌شود؟ اگر بخواهیم دقیق تر ترجمه کنیم باید بگوییم روانشناسی دین داری؛ Religion در اینجا به معنای احوالات، رفتارها و مناسک دین داران است. روان شناسی دین می‌گوید من به آن چیزی که در کتب مقدس است کاری ندارم بلکه وقتی می‌آید در رفتارها و باورهای انسان ها قرار می‌گیرد موضوع مطالعه من می‌شود. این دیگر جنبه انسانی دارد و مقدس نیست.

استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اضافه کرد: روانشناسی اساساً دانشی است که مربوط به انسان است و نه مربوط به الهیات و تئولوژی. بخشی از حالات و مسائل انسان ها رفتارهای دینی انسان هاست. در بخش های اول این کتاب به تاریخچه روانشناسی دین پرداخته ایم و در فصل های بعد به سنجش دین داری، پیامدها، آثار و فواید دین داری و ... پرداختیم. چون این کتاب برای یک ترم درسی است مقداری خلاصه شده است و به این معنا نیست که بحث روانشناسی دین محدود به همین نکات است.

وی سپس گفت: قبل از فروید، بعضی دیگر هم در این باره صحبت کرده اند. ویلیام جیمز را هم در این زمینه نباید فراموش کنیم. اصل بحث فروید این است که می‌گوید رفتارهای دین دارانه، شبیه رفتارهای وسواسی است. همان طور که در رفتارهای یک فرد وسواسی یک نظم و وسواسی وجود دارد در اینجا هم همین طور است که ریشه آن اضطراب درونی آن فرد است. معتقد است احساس گناهی که در درون انسان ها هست این اضطراب را ایجاد می‌کند.

آذربایجانی خاطرنشان کرد: پاسخ های متعددی به فروید داده شد. مثل یونگ که از دوستان نزدیک فروید است. با اولین

نقدی که به فروید می کند فروید دوستی خود با او را به هم می زند. فروید معتقد بود که زیربنای دین و تمامی فعالیت های انسان غریزه جنسی است. یونگ گفت من تاجرهای بسیاری را می شناسم که آن قدر غرق در تجارت خود هستند که رفتارهای شان از غریزه جنسی نشئت نمی گیرد. جان مک کواری هم در کتاب «تفکر دینی در قرن بیستم» نقدهای جدی به فروید وارد می کند. می گوید زیربنای دانشی به نام نجوم خرافات بوده است اما کم کم از آن دانشی شکل می گیرد. پس خاستگاه اولیه موجب ابطال آن معرفت یا پاسخی که انسان ها به آن می دهند نمی شود.

وی افزود: یک کشیشی هم در کتاب «پندار آینده» می گوید فروید نتوانسته معانی بلند گرایشات معنوی انسان ها را درک کند. این کتاب را در مقابل یکی از کتاب های فروید نوشته است. می گوید دین موجب توسعه هنر و … در انسان ها می شود و بر خلاف فروید که می گفت دین در آینده نابود می شود دین باقی خواهد ماند و امروز می بینیم که همین طور است. از نیمه دوم قرن بیستم می بینیم که گرایش به دین فزاینده شده و تحقیقات در حوزه دین گسترش پیدا کرده است.

آذربایجانی همچنین گفت: برخی نگاه کارکردگرایانه به دین دارند اما این کافی نیست. نگاه عصب شناسانه به دین هم وجود دارد که این تقلیل گرایی است. ویلیام جیمز در موضوعات مختلف این تقلیل گرایی را نقد می کند. اگر این فروکاست را بپذیریم انسان را از انسانیت خود جدا کرده ایم. نگاه فلسفی و معرفت شناسانه هم وجود دارد که در کلام جدید بررسی می شود. با نگاه فلسفی واقعیت داشتن خدا و پیامبر را مورد توجه قرار می دهند و به دنبال برهان هایی هستند که این نگاه نشان می دهد غیر از کارکرد دین، آیا واقعیت دارد یا خیر.

وی سپس اظهار داشت: تنوع فصولی که در این کتاب می بینید مسائل و موضوعاتی است که در قلمرو دانشی به نام روانشناسی دین وجود دارد. یکی از این موضوعات سنجش دین داری است. مثلاً شما علاقه مند هستید که فرزند شما از لحاظ دین داری و معرفت ارتقا پیدا کند. او را در مدرسه ای می گذارید که از لحاظ معنوی خوب باشد، اما نیاز به سنجش دارید که آیا دین داری او بالا رفته یا خیر؟ ابزارهایی در روانشناسی وجود دارد که همان طور که هوش یا … را می سنجیم این موضوع را هم مورد سنجش قرار می دهد. یا در صداوسیما برخی از برنامه ها با هدف ارتقای دین داری مردم است. ابزاری نیاز داریم که وضعیت دین داری مخاطبان برنامه را سنجش کنیم.

آذربایجانی ادامه داد: موضوع دیگر این است که آیا دین موجب افزایش سلامت انسان می شود یا کاهش آن؟ در روانشناسی دیدگاه های مختلف در این زمینه وجود دارد، اما نیاز به سنجش دارد. همچنین آیا دین باعث افزایش خشونت است؟ خشونتی که در برخی دین داران مشاهده می کنیم آیا از ذات دین داری بر می خیزد یا مربوط به خوانش ما از دین داری یا سوءاستفاده سیاست مداران از دین است؟ سوال دیگر این است که دین داری مساوی ایمان است و تک بعدی است یا دارای ابعاد است؟ نسبت دین و معنویت را هم برخی بحث کرده اند. به نظر می رسد نسبت این دو عام و خاص من وجه است. یعنی افرادی داریم که دین دارند اما به تجربیات معنوی توجه ندارند و افراد معنوی هم داریم که به دین توجه ندارند. افرادی هم هستند که هم به دین و هم به معنویت توجه دارند.

وی همچنین عنوان کرد: تعریف برخی از معنویت، جستجوی امر قدسی است. برخی امر قدسی را همان خداوند می دانند اما ادیان شرقی این نگاه را ندارند. امر قدسی از اول برای انسان ها وجود دارد و شیفتگی به آن فراتر از مسائل عادی است. این می شود که انسان به سراغ آن می رود. روانشناسی دین به این مسائل می پردازد که چرا انسان ها به سمت دین می روند؟ چه آسیب هایی در این میان وجود دارد؟ فرایند آن چیست؟ سنجش آن چگونه است؟

مجری برنامه در پایان این پرسش را مطرح کرد که آیا کتابی در دست انجام دارید؟ آذربایجانی در پاسخ گفت: کار بعدی که در دست انجام داریم به موضوع سلامت و معنویت اختصاص دارد.

در آیتم کتابدار برنامه سیامک محبوب، کتابدار و پژوهشگر، تجربه های خود در زمینه کتاب خواندن و این که چه بخوانیم و چگونه بخوانیم را بیان کرد.

فصل دوم «چراغ مطالعه» که به کتب روانشناسی می پردازد، با تهیه کنندگی مرتضی روحانی و یاسر غفاری و با سردبیری مجتبی طالقانی، در گروه فرهنگ و اندیشه شبکه ۴ تولید شده است و شنبه ها ساعت ۲۱ پخش می شود. بازپخش این برنامه نیز یکشنبه ها ساعت ۱۷ و جمعه ها ساعت ۹ خواهد بود.